

اختلال دست‌ساز نظم



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

در ایران راه‌حل همه مشکلات را در تغییر قوانین می‌دانند. این روش نتیجه معکوس داشته و به جای حاکمیت قانون و برقراری نظم حقوقی به افزایش بی‌نظمی و بی‌قانونی منجر می‌شود. مجریان قانون با این تصور که با قانون موجود مشکلات حل نمی‌شود، به سراغ تغییر قانون می‌روند. اما تغییر کلی قانون کار را خراب‌تر می‌کند؛ بی‌نظمی‌ها بیشتر می‌شوند؛ سازمان اجتماعی سردرگم می‌ماند؛ نظام اداری دچار اغتشاش می‌شود و... و در یک کلام ساخت قدرت با دست خود اختلال نظم حقوقی را وسع‌تر و عمیق‌تر می‌کند. در اندیشه حقوقی و تفکر قانون‌گذاری ایرانی دو گزاره نادرست حاکم است. اول اینکه تغییر قانون محدود است به همان قانون. یک قانون را کنار می‌گذارند و قانون دیگری را به جایش می‌گذارند و تمام. دوم اینکه قانون جدید به‌راحتی از طرف سازمان اداری و جامعه اجرا می‌شود. توهم قدرت و توهم دانایی به دو تصور فوق دامن می‌زند اما اصلا چنین نیست؛ در کنار قانونی که تغییر می‌کند، انبوهی از تغییرات بزرگ نیز رخ می‌دهد. در طول سال‌ها تجربه از اجرای یک قانون سازمان‌های اداری خاصی برای اجرای آن تشکیل می‌شوند. ده‌ها و صدها و بلکه هزاران تصویب‌نامه هیئت وزیران و آیین‌نامه و بخش‌نامه و شیوه‌نامه و آرای محاکم حول و حوش قانون صادر می‌شوند تا روش‌های اجرا را تعریف و تدقیق کنند. در دانشگاه‌ها هم درس حقوقی براساس این تنظیم شده و تدریس می‌شوند. رویه‌ها و عرف‌ها و عادت‌ها شکل می‌گیرند. کارکنان این سازمان‌ها کارشان را براساس این مصوبات ریز و درشت می‌آموزند و انجام می‌دهند. مردم هم در عمل می‌آموزند که برای کار خود باید چه کنند. این مجموعه عظیم یک ذخیره و میراث حقوقی عملی و نظری را انباشته می‌کند که براساس آن تکلیف همه، از حکومت تا مردم روشن می‌شود. با تغییر قانون این میراث و ذخیره عظیم که طی سال‌ها صیقل خورده است، بی‌اعتبار می‌شود. همه چیز باید از نو و از صفر آغاز شود. این آغاز سرگردانی است. مدت‌ها و بلکه سال‌ها طول می‌کشد تا با انواع مصوبات جدید و شکل‌گیری رویه‌ها قانون تازه صیقل بخورد و نهاد‌های مختلف اجتماعی و شرکت‌ها و ده‌ها سازمان و اداره و میلیون‌ها انسان کار و زندگی خود را با آن تطبیق دهند. در طول این مدت درهم‌ریختگی و بی‌نظمی وسیعی حاکم می‌شود که امکان تثبیت و حکومت آن قانون را کاهش می‌دهد و جایش را بی‌قانونی می‌گیرد. دو نمونه گذشته و حال این وضعیت را بهتر نمایان می‌کند. قوانین آیین دادرسی بسیار پیچیده، دقیق و مهم هستند. در طول دو دهه پس از انقلاب قانون آیین دادرسی مدنی در ایران پنج بار تغییرات بزرگ داشته است. در طول این مدت سردرگمی و بی‌التکلیفی قضات و مردم به حد نهایت رسید. قانونی که به دادگاه‌های عام معروف شد، اوج این درهم‌ریختگی و بی‌نظمی بود که وضعیتی به‌غایت بی‌نظم و مغشوش در دستگاه قضا به وجود آورد و هنوز هم آثار آن کم‌وبیش دیده می‌شود. مشابه همین پلا بر سر قانون آیین دادرسی کیفری نیز آمده است. این قانون تا اواخر دهه ۸۰ بیش از هفت بار تغییرات کلی و وسیع داشته که موجبات سردرگمی و درهم‌ریختگی دستگاه قضا و مردم را فراهم آورد. نمونه دیگر که هنوز به اتمام نرسیده، قانون تجارت است. در فروردین سال ۱۳۳۳ ماده از تصویب مجلس گذشت. این قانون جانشین قانون تجارت فعلی و ۱۰ قانون مهم دیگر می‌شود. معنای جامعه‌شناختی این تغییر عظیم و بی‌سابقه در مقررات تجاری این است که همه سازمان‌های اداری و قضایی، حدود دو میلیون شرکت تجاری و بی‌شمار فعالان حوزه اقتصاد که چندین دهه با قانون تجارت فعلی کار کرده‌اند، باید کار و زندگی خود را بنا مقررات ناشناخته و مجهول قانون جدید تغییر و تطبیق دهند. تغییر قانون یعنی تغییر همه شیوه‌های رفتاری. اما همان‌گونه که انسان‌ها نمی‌توانند همه رفتارهای خود را یکباره عوض کنند، حکومت و جامعه هم ممکن نیست که شیوه‌های رفتاری خود را یکباره تغییر دهند. یکی از مهم‌ترین قوانین در سازمان‌دهی اقتصاد ایران قانون تجارت است. تردید نکند که در صورت تصویب نهایی و ابلاغ قانون جدید تجارت، سردرگمی گسترده‌ای بر ساخت حقوقی نظام تجاری ایران حاکم شده و بحران اختلال نظم حقوقی اقتصادی تشدید می‌شود. نمونه‌هایی مانند این مثال‌ها در قوانین کشور بسیارند. انواع تحولات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تکنولوژیک روزآمدکردن قوانین را ناگزیر می‌کنند اما روزآمدکردن را باید با حفظ میراث عملی و نظری قوانین از طریق اصلاح آنها انجام داد. در هر قانون آن موادی که نیازمند اصلاح‌اند، تغییر کنند کافی است. تغییر کامل قوانین، خود موجب بی‌قانونی است.

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۴۰۳
۱۸ محرم ۱۴۴۶
۲۴ جولای ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۸۶
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: حمید قره‌حسنلو خواستار اعاده دادرسی در پرونده خود و همسرش شد • آیا استعفای پزشکیان از نمایندگی مجلس ضرورت دارد؟

نگاهی به سیاست‌گذاری‌های مسکن در چند دهه گذشته و ارزیابی راهبردهای مواجهه دولت چهاردهم با بن‌بست بازار مسکن

تسهیلگری به جای تصدیگری

گزارش تیتریک را در صفحه ۴ بخوانید



جهت‌گیری‌های دوسویه قالیباف و جلیلی در جریان اصولگرایی و نگاه به مختصات سیاست‌ورزی آینده

دو قطبی واقعی یا جعلی؟

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

یادداشت

انتخابات از دیدگاه حامی پروری



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

کشورهای در حال توسعه حق دارند به توصیه‌های کشورهای پیشرفته اعتنایی نکنند زیرا کشورهای صنعتی دهه‌ها منابع طبیعی کره زمین (مانند نفت، گاز، زغال سنگ و...) را به بقما برده‌اند و از این طریق درآمد و رفاه خود را افزایش داده‌اند. حال دیگر کشورها نیز خود را سزاوار آن می‌بینند که رفاه و درآمد بیشتری را کسب کنند. خانم کلاین معتقد است رابطه میان کشورهای قدرتمند و کشورهای نوظهور در اکثر اوقات خارج از محدوده انصاف بوده است. کلاین مدعی است کشورهای صنعتی به واسطه سال‌ها تولید گازهای گلخانه‌ای، دارای بدهی اقلیمی درخور توجهی هستند. پس تا زمانی که قدرتهای جهانی بدهی اقلیمی خود را (از طریق حذف سوخت‌های فسیلی و جایگزین انرژی‌های پاک) تسویه نکنند، نباید توقع داشته باشند دیگر کشورها خواسته‌های آنها را اجابت کنند.
گاه در رابطه میان مردم و دولت نیز شاهد تراکم و تجمع بدهی وعده‌ها و انتظارات هستیم. منظور اینکه برخی دولت‌ها که در انجام تعهدات خود کوتاهی می‌کنند، نباید توقع داشته باشند همراهی و پشتیبانی مردم را به دست آورند. بی‌توجهی به انجام تعهدات به‌تدریج این‌باور را به وجود می‌آورد که رابطه شکل‌گرفته، رابطه‌ای یک‌جانبه و غیرمنصفانه است. تحکیم و تقویت این‌باور می‌تواند عواقب ناخوشایندی را بروز دهد.
کیتی میلکن در کتاب «چگونه تغییر کنیم» توضیح می‌دهد که چگونه باورها انتظارات و شکل می‌دهند. او در آزمایشی به خدمتکاران هتل این باور را القا می‌کند که فعالیت شغلی آنها نوعی تکاپوی ورزشی است و به سلامتی آنها کمک خواهد کرد. خلق این باور باعث شد خدمتکاران انگیزه بالاتری برای انجام فعالیت‌های خود بروز دهند. هرچه میزان تکرار یک رفتار بیشتر شود، امکان نهادینه‌شدن آن کنش به‌عنوان باور رشد می‌یابد. در یک رابطه دو جانبه اگر یک طرف این دادوستد به طور مداوم احساس کند که مورد بی‌مهری، کم‌توجهی یا سوءاستفاده قرار گرفته، این باور در او شکل خواهد گرفت که استمرار این رابطه جز سرخوردگی برای او نمره دیگری نخواهد داشت. در پیوند میان دولت و ملت زمانی که میزان بدعهدی و خلف وعده افزایش می‌یابد، این عقیده که مردم از سوی دولت نادیده انگاشته می‌شوند، تقویت می‌شود. بر اثر این رخداد دیگر نباید انتظار داشت مردم سطح مقبولی از حمایت و پشتیبانی را عرضه کنند. آمارتیا سن، دارنده جایزه نوبل اقتصاد، در کتاب «کیفیت زندگی» می‌گوید:

انسان‌ها همواره تلاش می‌کنند تا با کسب درآمد بیشتر و خرید دارایی‌های ارزشمندتر مانند خرید خانه، خودرو و... بر میزان رفاه خود بیفزایند. افراد تمام این موارد را آگاهانه اکتساب می‌کنند تا رفاه خود را ارتقا دهند. همچنین آمارتیا سنن به مواردی مانند سلامتی، دوست خوب یا خانواده مهربان اشاره می‌کند که غالباً در نتیجه جهد و تلاش افراد حاصل نشده است، ولی در میزان آسایش افراد تأثیرگذارند. زمانی ارزش این دارایی‌های نامشهود برای ما قابل درک است که برخی از آنها را از دست بدهیم.

از دیدگاه نهادگرایان اعتماد که مهم‌ترین رکن سرمایه اجتماعی است، مانند دارایی نامشهودی است که زمانی که وجود دارد، مورد تکریم قرار نمی‌گیرد ولی در غیاب آن اثرات مخربی را بر جای می‌گذارد. گاهی دولت‌ها گمان می‌برند اعتماد مردم به دولت غیراکتسابی و دائمی بوده و برای حفظ آن جهد و تلاش کافی را به کار نمی‌برند. در مواردی مانند مشارکت پایین جامعه در انتخابات است که دولت‌ها خلأ نداشتن حمایت و همپاری جامعه را آشکارا درمی‌یابند. میزان مشارکت در انتخابات جلوه‌ای است از دارایی نامشهودی که دولت‌ها در شرایط عاقبت، قدر و ارزش آن را به‌خوبی درک نمی‌کنند. مانند فردی که قدر سلامتی را زمانی می‌شناسد که دچار کسالت و ناخوشی شود.
هاچون چانگ، اقتصاددان مطرح کره‌ای و فارغ‌التحصیل دانشگاه کمبریج، در کتاب «نیوکاران نابکار» بیان می‌کند که اقتصادهای طراز اول دنیا از جایگاه و قدرت خود سوءاستفاده می‌کنند و در تلاش‌اند که با دیکته‌کردن خواسته‌های خود به دیگر کشورها منافع خود را از طریق مواردی مانند وضع تعرفه بر کالاها حادتر کنند. چانگ می‌گوید: رقابت در اقتصاد جهانی همانند مسابقه در زمین شیب‌دار است که همواره شیب آن به نفع اقتصادهای پرقدرت و متفقد بوده است. گاهی تعامل میان مردم و دولت به نحوی دنبال می‌شود که شهروندان می‌پندارند شیب زمین همواره به ضرر و علیه آنها بوده است. در این مواقع آنها حاضر نیستند دیگر در زمین بازی حاضر شوند. سخن آخر اینکه مردم برای دولت به‌منتهای مشتری هستند. یکی از روش‌های جلب رضایت مشتری، حمایت از مشتری (مردم) در شکل نظام حامی‌پروری است. هر میزان سطح رضایت‌مندی مردم از دولت بیشتر باشد، متقابلاً مردم سطح بالاتری از حمایت را به دولت عرضه خواهند کرد. رابرت کیوساکی در کتاب مطرح «پدر پولدار، پدر بی‌پول» فردی را مثال می‌زند که با مقدار انبوهی از هیزم در کنار بخاری ایستاده و فریاد می‌زند هر وقت به من گرما دادی، من هم به تو هیزم می‌دهم. در شرایطی که عقلانی این است که ابتدا هیزم را داخل بخاری قرار دهی و سپس انتظار گرما داشته باشی. این حکایت دولت‌هایی است که همواره توقع دارند مورد پشتیبانی جامعه باشند، بدون آنکه تکالیف اصلی خود را به صورت مطلوب اجرا کنند. در نهایت اگر انتخابات را از دیدگاه حامی‌پروری تفحص کنیم، بهتر می‌توانیم میزان کاهش مشارکت در انتخابات را ریشه‌یابی کنیم.



گزارش اعضای کابینه سیزدهم به رئیس‌جمهور منتخب

۲

برگزیده‌ها

پای تلویزیونی‌ها به فساد در فوتبال باز شد؟

۹

اتحاد گروه‌های فلسطینی درباره تشکیل «دولت موقت آشتی ملی» برای اداره غزه

توافق زیر سایه پکن

۵

گزارش «شرق» از مخالفت با فوریت جانمایی آرامستان‌های جدید پایتخت

بحران دفن در پایتخت

۱۰

رئیس‌جمهوری منتخب گلایه کرد که همه آدم‌های خودشان را معرفی می‌کنند و نمی‌دانم باید چه کنیم

پزشکیان در گرداب سهم خواهان

۲

نگاه

نلسون ماندلا درس‌های

یک استاد درباره مذاکره

ترجمه: زهرا کریمی

۸

گفتمان دولت چهاردهم، گفتمانی به سوی مصالحه سیاسی
یادداشتی از محمدرضا پورقوشچی

۶

یادداشت

کابینه ۱۴

ائتلافی یا وحدت ملی



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

در واپسین روزهای بررسی گزینه‌های حضور در کابینه دولت چهاردهم، مسئله تشکیل دولت فراگیر با هر عنوان «دولت وحدت ملی»، «دولت ائتلافی» و «دولت آشتی ملی»، محل بحث موافقان و منتقدان و گمانه‌زنی در محافل سیاسی و عمومی شده تا جایی که حساسیت و اظهارنظرهای شخصیت‌ها، گروه‌ها، اصحاب رسانه و جریان‌ها نسبت به اعضای شورای راهبری انتخاب کابینه، از ترکیب احتمالی وزیران پیشنهادی مسعود پزشکیان بحث‌برانگیزتر شده است. ظاهراً این شورا به‌عنوان بازوی مشورتی رئیس‌جمهور منتخب و با هدف بررسی پیشنهاد نامزدهای شایسته برای عضویت در هیئت دولت با ۱۳ عضو و پنج کارگروه سیاسی، اقتصادی، زیربنایی، فرهنگی و اجتماعی با بیش از ۴۵۰ عضو، متشکل از اقلیت دینی و مذهبی، نخبگان دانشگاهی و تخصصی غیردانشگاهی، نمایندگان تشکل‌های تخصصی نظام‌های صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، نمایندگان بخش خصوصی، وزرای ادوار، نمایندگان جبهه اصلاحات و اعضای ستاد مرکزی و استان‌ها تأسیس شد. هرچند گفته می‌شود تشکیل کابینه با این روش، جدید و بی‌سابقه است اما پیش از این، دولت سیزدهم نیز سامانه‌ای را برای معرفی و بازگذاری رزومه افراد متقاضی همکاری با دولت ایجاد کرده بود. ترکیب اعضای این شورا و کارگروه‌ها اغلب از چهره‌های اصلاح‌طلب و میانه‌رو است، بنابراین برخی با انتقاد از شورا، آن را در انحصار اصلاح‌طلبان می‌دانند. با وجود این برخی خبرها از اختلاف و تنش در کارگروه‌ها حکایت دارد و گفته می‌شود علاوه بر افزایش فشار لابی‌ها و شخصیت‌های بیرون از کارگروه‌ها، وزرای سابق هم توقع دارند نظر آنها لحاظ شود

و برخی احزاب نیز از سایر حزب‌ها می‌خواهند تا فرد پیشنهادی آنها معرفی شود.

ادامه در صفحه ۴

انتشارات شرق منتشر کرد

